از هنر دیواره ای تا معماری صخره ای

رهبرگنجه، تورج

تورج رهبر گنجه‏ بررسی هنر دیواره‏ای قریب هشتاد سال و اندی‏ پیشینهء تفحص و تحقیق را به همراه دارد.که در میان‏ جامعهء پژوهشگران و باستان شناسان از جایگاه‏ ویژه و خاصی برخوردار گردیده است.با این حال‏ معماری صخره‏ای به رغم گستردگی خاص خود کمتر مورد عنایت و توجه قرار گرفته است.چرا که‏ مطالعه و شناخت هر یک از آنها به طبع مستلزم‏ شناخت دیگری بوده که امری ضروری و حتی‏ اجتناب‏ناپذیر محسوب می‏شده است.بررسی‏ درجهء تکنیک مورد استعمال،سطح هنری،میزان‏ دانش و شناخت و سرانجام سطح انتزاع دربارهء هنرهای فوق کم و بیش مورد بحث واقع شده‏ است.اما مسألهء مهم این است که انسان مورد بحث دو موضوع ما از 000/30 سال تا 800 پیش از میلاد بوده که در این فواصل تاریخی عمده‏ هنرنمایی‏هایش از درون غارها شروع و در سینه بستر کوه و دل صخره‏ها به اوج و کمال رسیده است.

برخی از باستان شناسان بر این باورند که نخستین‏ آثار از انسان این دوره متعلق به ردپای انسان غربی‏ به ویژه نوع فرانسه(غار GMOC.D.F )و اسپانیا ( uksaL )می‏باشد.بنابراین چون هنوز قسمت‏ عمده آسیا و آفریقا از لحاظ فوق مورد توجه علمای‏ تاریخ طبیعی نبوده،نمی‏توان منشأ ظهور اولیهء انسان با ویژگی فوق را اروپا و آن هم اروپای غربی‏ بدانیم.

نقوش انسان اولیه در غارها با تصاویر جانورنما (اسطوره نگاشت emavgohtyM )(1)شروع‏ گردید.و ساخت معماری صخره‏ای او نیز با غارنشینی و برای گریز از سرما و گرما آغاز شد.تا اینکه در قرن هشتم پیش از میلاد توسعه و پیشرفتی‏ چشمگیر در همهء فنون و شؤون هنر به ویژه در معماری صخره‏ای ظهور نمود که چگونگی این هنر معماری را در گور دخمه‏ها و یا آرامگاههایی که در دامنه کوهها و صخره‏ها کنده‏اند می‏توان مشاهده‏ کرد.با این حال بشر اولیه دریافت که از برآمدگی‏ یک صخره طبیعی می‏توان تندیسی تراشید و یا پناهگاه و جانپناهی مطمئن و مستحکم بنا کرد.

همان طور که هنر غارنشینی انسان عصر حجر که‏ با به تصویر کشیدن حیوانات مختلف در بدنه و سقف‏ غارها آغاز شد و پایه‏ریز خطوط امروزی گردید و صدها نمونه از این گونه نقوش متعلق به ادوار مختلف از ozeM aimatop یونان،مصر، اوراسیای مرکزی-چین،هند گرفته تا اسپانیا، ایتالیا،فرانسه،انگلستان،یوگسلاوی و جانورانی را در حال نبرد و یا صرفا در کنار هم و جدا از هم به نمایش درآورده‏اند که هر کدام به نوبهء خود دارای مفاهیم متنوع و متعددی می‏باشند.از نمادهایی چون:شیر،عقاب،گاو نر گرفته تا کرکس،شیر با سر فرعون و تصاویر ترکیبی چون‏ گرینون و لاماسو همه و همه بیانگر پایداری ارزش‏ «نماد»در اعصار گذشته تلقی می‏شود و می‏بینیم‏ نمادها به صورت خطوط ظریف ملاک عمدهء پیدایش«خط»گردیدند.همان طور که مقابر صخره‏ای منسوب به مادها در مرحله متکاملتر به‏ معماری با ویژگی خاص خود انجامید.در پهندشت سرزمین فراخ و باستانی ایران آثار متنوعی‏ از جمله دهکده‏ها،دژها،مقابر،مساجد و منازلی‏ وجود دارند که در سینهء کوهها و دل صخره‏ها کنده شده‏اند.

در این میان می‏توان به مسجد سنگی داراب به‏ سال 652 هـ ج اشاره نمود.این مسجد به دستور ملک مظفر الدین محمد بن مبارز کنده شده که وی‏ خود از حاکمان شبانکاره فارس بود.

یکی دیگر از مساجد سنگی با این ویژگی که از لحاظ معماری مذهبی شایان توجه می‏باشد مسجد سنگی(صخره‏ای)کندوان در آذربایجان شرقی و دیگری مسجد میمنه در کرمان و امامزاده‏ معصوم(ع)و رجووی در مراغه است.

در کنار مساجد،نیایشگاههای قدمگاه نزدیک‏ آذرشهر و معبد آباذر نزدیک«نیر»اردبیل که دارای‏ پلان یکسان و فضای گنبدی شکل بوده از موارد استثنایی بی‏نظیر معماری صخره‏ای در ایران و جهان به شمار می‏روند.پژوهشگران اروپایی‏ درباره تبیین و عملکرد آنان نظرات متفاوتی ارائه‏ نموده‏اند.از جمله کلایس در تبیین و عملکرد مسجد صخره‏ای قدمگاه،قدمت این بنا را از دوران اسلامی تا پیش از تاریخ ذکر نموده و این‏ مکان را به عنوان انبار و یا مکانی جهت نگهداری‏ وسایل(یخچالی)می‏داند.حال آنکه خلق این‏ گونه آثار معماری ارزشمند و پیشرفته خود مستلزم‏ پیشرفتهای فنی و فرهنگی است.نکته در خور توجه دیگر اینکه این مکان نه تنها از دوران تاریخی‏ فراتر نمی‏رود بلکه در دوران تاریخی برای مقاصد عالیتری چنین فضایی را ایجاد نموده‏اند.بنابراین‏ معماری صخره‏ای به عنوان مجموعه‏ای تاریخی، نه تنها از نظر علوم تاریخی،هنر و باستان شناسی‏ اهمیت بسیار دارد،بلکه برای تاریخ و تمدن، تاریخ ادیان و روابط فرهنگی میان مللی که دارای‏ این نوع معماری هستند نیز شایان توجه است زیرا همین ویران نشدن و برجا ماندن معماری صخره‏ای‏ در بازسازی تاریخ تمدن ملتها نقش بزرگی را بازی‏ کرده و در حقیقت بشر از نظر تاریخ و فرهنگ‏ خود،به معماری و نقش برجسته صخره‏ای بیشتر از معماری معمولی مدیون است.از سوی دیگر تعداد کثیری از آرامگاهها و اماکن باستانی که هنوز در دل خاک مدفون و استوارند مدیون معماری‏ صخره‏ای هستند و بنابراین اگر در کشورمان‏ معماری و نقش برجسته‏های صخره‏ای با ویژگیهای اولیهء خود موجود نبود یقینا تاریخ هنر و بعضی از جنبه‏های معتقدات دینی گذشتگان و نیاکان بر ما چندان معلوم و روشن نمی‏شد.

همان گونه که پیشتر نیز اشاره کردیم چنانچه‏ نقوش و تصاویر منقوش بر بدنه غار و سقف آن بر ما معلوم نمی‏گشت،چگونگی ظهور خط در پرده‏ ابهام قرار می‏گرفت.

اما اینکه دین و مذهب تا چه حد در ظهور و حضور معماری صخره‏ای بشر آن روز و امروزی مؤثر بوده،نظرات متفاوتی بیان شده است.بر اساس‏ فلسفه مهرپرستی تمام معابد مهری می‏باید در دل‏ صخره و سینهء کوه کنده می‏شدند.البته در ابتدا «میترا»در غارهای طبیعی پرستش می‏شد.

مورخین قدیم چون ستاس،استرابون، ترتولین و هرودوت کم و بیش اشاراتی به آیین‏ مهرپرستی ایرانی دارند.اما در دوره اسلامی به ویژه‏ قرن ششم تا هشتم هـ.معماری صخره‏ای بیشتر مورد توجه و عنایت قرار گرفت.شاید دلیل عمده‏ توجه به آن نیز تبعیت عرفا،دراویش،صوفیان و مشایخ از پیامبر(ص)به منظور عزلت گزینی و تهذیب نفس در معارات طبیعی و مصنوعی بوده‏ است.لیکن نقاشی بر سقف و بدنه غار که از آن به‏ عنوان هنر دیواره‏ای یاد می‏نماییم با دورهء ذغال یا سوخته استخوان و مخلوط با پیهء جانوران شکار شده‏ و با رنگیزه‏های کانی چون گل اخرا و خاک سرخ‏ با نقوش ساده و انتزاعی بر پایهء ایمانی جادویی به دو قصد اجرا می‏شد.

الف.تأمین غذا در شکارهای دسته جمعی

ب.بارورتر نمودن نسل آنان با مکرر ساختن‏ تصاویر بر بدنه غارها

و اوج این هنر بر دیواره غارها و صخره‏ها در حدود دوازده هزار سال پیش از میلاد شکل گرفت‏ که با مهارت در بازنمایی تصاویر و دقت در مشاهده،یعنی آنچه که در عالم هنرهای تجسمی‏ واقعگری خوانده شده است برای آن مردمان‏ حاصل شد که نمونه‏های بارز آن شکلهای‏ شبیه سازی و برجسته نما و رنگین گاو وحشی و گوزن بر سطح صخره‏های غار«التایرا»در شمال‏ اسپانیا و«فون دو گوم»فرانسه می‏باشد.و بعضی‏ را بر این باور است که نقاشیها و کنده‏کاریهای روی‏ دیواره‏ها و سقف غارها که یافت شده است، اقامتگاه و یا پرستشگاهی برای انسانهای گذشته آن‏ عصر محسوب می‏شده است.

نون-ای( A.nnuN )در تحقیق و بررسی سهم‏ ایرانیان در دیوارنگاره‏ای کهن معتقد است که‏ دیوارنگاری و تزیین دیواری فقط برای زیباسازی‏ و نقشبندی محل سکونت و یا عبادت به کار نمی‏رفته‏اند.و در مقایسه با نقش برجسته‏های سنگی‏ نمی‏توان آنها را صرفا تزیین به حساب آورد بلکه آنها را مکمل نقش برجسته‏ها می‏داند و معتقد است که‏ این تصویر و تصاویر مشابه حاوی پیامی برای‏ مشاهده‏گر می‏باشند.

منابع:

(1)-مجله باستان شناسی.میراث فرهنگی کشور،سال ششم‏ 1371

(2)-معماری صخره‏ای،نوشته جواد شکاری نیری،اسفند ماه‏ 1371.

(3)-نامه علوم اجتماعی،ج 2،ش 2،تابستان 1370.